

حساب روز قیامت

(۳)



و کار است و حساب و بازخواستی در بین نیست و فردا روز حساب و بازخواست است و موقع عمل و کار نیست. در مقاله قبل گفته شد که انسانها در رابطه با حساب روز قیامت بطور کلی به ۴ دسته تقسیم میشوند:

- ۱- کسانی که از لحاظ ایمان و اذعان به اصول دین و حقایق اسلام و همچنین از جهت اعمال و انجام وظائف دینی و از نظر تهذیب اخلاق بسرحد کمال رسیده و از اولیای خدا و مقربان درگاه حضرت احدیت میباشد اینها بدون حساب اهل بهشت میباشند.
- ۲- مشرکین و کفار و منافقین که به انکار حقایق دینی برخاستند و در مقابل دین و قوانین الهی سر تسلیم فرود نیاوردند و احیاناً موضعگیری های خصمانه ای نشان دادند و بلکه به استضعاف بندگانشان خدا پرداختند و در زمره مستمگران قرار گرفتند این قبیل افراد بدون حساب اهل جهنم میباشند.
- ۳- افرادی از مسلمانان که هر چند از آنها احیاناً گناهای صادر شده است ولی پرونده اعمال نیک آنها آنقدر سنگین و رضایت بخش است که آثار تقوا و سعادت و فلاح از همان لحظه ای که سر از قبر بر میدارند در قیافه و وجود آنها منعکس و چون در روز قیامت اعمال نیک انسان قبل از هر چیز در سیما و بدن او تبلور مییابد با قیافه نورانی و درخشان و وضع خاصی که نمایانگر تجلیل و تکریم از آنها است قدم بعرضه محشر میگذارند اینها مصداق کامل «مَنْزَوْف

روز قیامت دارای مواقف و مراحل متعددی است که در هر موقفی اعمال انسانها از جنبه خاصی مورد رسیدگی و نتیجه گیری قرار میگیرد و یکی از این مواقف که هم اکنون مورد بحث ما است و بسیار خطیر و سرنوشت ساز است «موقف حساب» است.

در این موقف مأموران مخصوصی پرونده هائی که در ارتباط با عقاید و بینش و همچنین کردارها و گفتارها و اخلاق انسانها تشکیل گردیده و همه چیز خرد و بزرگ در آن ثبت و ضبط و بایگانی شده است را زیر ذره بین قرار میدهند تا بر آن اساس سرنوشت آنان را از لحاظ پاداش ها و کیفرهای اخروی و دست یافتن به مدارج بهشتی و جوار قرب حضرت حق و یا سقوط بدرکارت دوزخ معین کنند.

آیاتی از قرآن کریم که درباره حساب روز قیامت آمده است و با هشدار دادن و بیان حساسیت این موقف رابطه دارد در مقاله پیش مورد تذکر قرار گرفت و اکنون باید توجه داشت که قسمتی از احادیث اهل بیت عصمت سلام الله علیهم اجمعین نیز با موقف حساب روز قیامت ارتباط دارد و تعبیرات هشداردهنده ای که حاکی از حساسیت و عظمت این موقف است در آنها وجود دارد:

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحْوَجَ مَا أَحَافَ عَلَيْكُمْ إِذَا بَدَأَ الْهُدَى وَظَلَمَ الْأَمَلُ فَأَمَّا إِتْيَاغَ الْهُدَى فَيُبْضَلُ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا ظُلْمُ الْأَمَلِ فَيُنْسَى الْآخِرَةَ أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا فَذُوْءُ خَدَاةٍ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا ضَابَةٌ كَضَابَةِ الْأَنْبَاءِ إِضْطَبَّهَا صَائِبُهَا أَلَا

آیت الله حسین نورى

وَأَنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَفْطَلَتْ وَلِكُلِّ مِنْهُمَا ثَلَاثُونَ فِكْرًا مِمَّنْ أُنْبِئَ الْآخِرَةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ النَّاسِ الَّذِينَ فَإِنْ كُنْتُمْ وَكَيْدٌ سَتَجِدُّوا بِأَمْرِ يَوْمِ الْبَيْعَةِ وَإِنَّ السَّوْمَ عَمَلٌ وَلَا جِسْمٌ وَعَدَا جِسْمٌ وَلَا عَمَلٌ».

ای مردم! ترسناکترین چیزی که از آن بر شما میترسم دو چیز است:

- ۱- پیروی از هوای نفس.
 - ۲- آرزوی دراز.
- اما پیروی از هوای نفس، انسان را از راه حق باز میدارد و آرزوهای طولانی آخرت را از یاد میبرد آگاه باشید دنیا به شما پشت کرده و بسرعت از شما دور میشود و باقی نمانده از زندگی شما در آن مگر نه مانده ای مانند باقی مانده آب در تریه ظرف پس از ریخته شدن. آگاه باشید که آخرت رو بسوی شما شتابان میآید و برای هر یک از دنیا و آخرت فرزندانی است پس شما فرزند آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید (توجه و هدف شما فقط مادیات و لذت دنیوی نباشد) زیرا در قیامت هر فرزندی بمادرش ملحق خواهد شد بدانید امروز روز عمل

يُحَاسِبُ جِبَابًا تَبِيرًا» هستند و به آسانی به حساب آنها رسیدگی میشود و راهی بهشت میگردند.

احادیث فراوانی که حاکی از تجلیل و تکریم بعضی از افراد در روز قیامت است بیانگر امتیاز همین افراد است.

مثلاً: حضرت رسول اکرم فرمودند: «سُنْعَةُ يُظَلِّهِمُ اللهُ تَعَالَى فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» عَادِلٌ وَشَاقٌ تَشَاقَى عِبَادَةَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَوَجِلَّ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالنَّسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ وَوَجِلَّ لَانِ كَأَنَّ فِي طَاعَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فَاشْتِعَا عَلَى ذَلِكَ وَتَرَفًا وَوَجِلَّ ذِكْرًا اللهُ عَزَّوَجَلَّ حَالِيًا فَفَاضَتْ عِشَاءُ وَوَجِلَّ دَعْوَةُ الْفِرَاقِ دَأْبٌ حَسْبِي وَجِدَالٌ فَيُحَاسِبُ إِنِّي أَخَافُ اللهُ تَعَالَى وَوَجِلَّ تَضَلُّقٌ بِضَدْفَةٍ فَاشْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ بِشِمَالَةِ مَا تَضَلَّقَ بِمِثْلِهِ»^۳.

یعنی: هفت گروه را پروردگار متعال در روزی که سایه ای جز سایه عرش الهی وجود ندارد در سایه عرش خود جای میدهد:

۱- بشوایان عادل.

۲- کسانی که از آغاز جوانی در عبادت و بندگی خداوند رشد و نمو کرده اند.

۳- کسانی که علاقه قلبی مخصوصی بخانه خدا یعنی مسجدها دارند بطوری که هرگاه که از مسجد خارج میشوند باز در اشتیاق آن هستند که بزودی به مسجد برگردند.

۴- افرادی که لفظ برای جلب خشودوی خداوند اجتماعاتی را تشکیل میدهند تا در سایه اجتماع کارهای مفید را بانجام برسانند.

۵- اشخاصی که آفتدر بخداوند متعال محبت دارند که هر وقت نام خدا را میسرند با اشک چشم آن نام مقدس را بدرقه میکنند.

۶- کسانی که تنها از ترس خدا از شهوتهای حرامی که در زندگی برای آنها پیش میآید چشم میپوشند و صرف نظر مینمایند.

۷- افرادی که انصاف در راه خداوند را بطوری مضمانه و دور از تظاهر انجام میدهند که دست چپ آنها از بخش دست راستشان آگاهی پیدانمی کند.

۸- گروهی از مسلمانان که از جهت بکار بستن وظائف اسلامی چه از لحاظ انجام فرائض الهی از قبیل نماز و روزه و جهاد و انصاف... و چه از نظر ترک محرمات از قبیل

دروغ و غیبت و ظلم... مقصر میباشند و یا از لحاظ اخلاق ناپسند از قبیل تکبر و بخل و حسد و خودپسندی دارای آلودگیهایی هستند و روشن است همه اینگونه افراد نیز در یک سطح نیستند برخی از آنها از حقایق اسلامی باندازه ای فاصله گرفته و در ورطه تخلف و گناه افتاده و در وادی معاصی فرو رفته اند که اگر توبه نکنند و به ندای نجات بخش اسلام تا پایان عمر پاسخ مثبت ندهند در مقام حساب با کمال سرشکستگی مردود میشوند و از بهشت و سعادت محروم و بعذاب الهی محکوم میگردند و چقدر خوب است که این قبیل افراد به آفتوش اسلام باز گردند و از رحمت و لطف پروردگار مهربان غفار الذنوب و ارحم الراحمین که در توبه را بسروری همه گشوده است استفاده کنند و با شرایط توبه کتبی که:

بازآ سازا هزار آنچه هستی بازآ

گرگناه و گسرویت پرستی بازآ

کاین درگاه مادری که نوسیدی نیست

صد بار اگر توبه نکستی بازآ

ولی بعضی دیگر در برابر گناهانی که مرتکب شده اند پرونده ای یا پرونده های متعددی نیز در رابطه با حسنات و انجام کارهای نیکه از قبیل خدمت های معنوی و مادی به جامعه بشری تعلیم و تربیت مردم، ارشاد و هدایت، تألیف کتابهای مفید و نوشتن مقاله هایی در راهنمایی و جلب افراد بسوی خیر و صلاح، جهاد و کوشش در راه اعلای کلمه حق و اعتسای اسلام... این دسته از افراد چون اعمال نیکشان بر حسنات و گناهانشان فزونی و غلبه دارد از موقف حساب بالاخره سربلند بیرون میآیند.

چنانکه اشخاصی که گناهان زیاد دارند و پرونده حسناتشان سنگین نیست اگر با انجام توبه صحیح همانطور که گفتیم گناهان خود را شستو بدهند یا شایستگی شفاعت شافعیان روز قیامت از قبیل حضرت رسول اکرم (ص) و قرآن مجید و حضرت صدیقه کبیرا و حضرات ائمه علیهم السلام و علمای بزرگ و شهدای راه خدا را داشته باشند

در نتیجه به سعادت میرسند و به جوار قرب حضرت حق راه مییابند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الدَّوَابَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَلْتَمِسُ دِيْوَانَ فِيهِ السُّعْمُ وَدِيْوَانَ فِيهِ الْخَسَنَاتُ وَدِيْوَانَ فِيهِ الشَّبَابُ» یعنی برای هر کسی در روز قیامت ۳ پرونده وجود دارد:

۱- پرونده ای که در آن نعمت هائی را که خداوند به انسان عنایت کرده است ثبت شده است.

۲- پرونده ای که محتوی کارهای نیک انسان است.

۳- پرونده ای که محتوی گناهانی است که انسان در دنیا انجام داده است.

سپس فرمود: «فَيُحَاسِبُ يَوْمَ دِيْوَانَ الْبِتْعَمِ وَدِيْوَانَ الْخَسَنَاتِ فَتُسْفَرُ النَّعْمُ عَاقَةَ الْحَسَنَاتِ وَتَقَى دِيْوَانَ الشَّبَابِ فَيَدْعُو مِنْ أَدَمِ التَّوْبَةَ لِلْحَسَنَاتِ».

یعنی میان پرونده نعمت ها و پرونده کارهای نیک مقابله ای صورت میگیرد و جمع و تفریق بعمل میآید و چون تعداد نعمت های خداوند بسیار زیاد است. حسنات انسان هر قدر هم زیاد باشد در برابر این نعمت ها تاجیز جلوه میکند و چیزی باقی نمیماند در این موقع فرزند آدم که از حسناتش چیزی باقی نمانده است برای بررسی حساب گناهانش به پیش خوانده میشود.

«فَيَتَقَدَّمُ الْقِرَّانُ أَمَامَهُ فِي آخِرِ صُورَةٍ وَيَقُولُ يَا رَبِّ آتَا الْفِرَّانَ وَهَذَا عِنْدَكَ الْمُؤْمِنُ فَذُتَّعِبْتُ نَفْسَهُ بِتِلَاوَتِي وَنَطِئُ لِنَفْسِهِ بِتَرْبِئِي وَنَغْبِضُ عِشَاءَهُ إِذَا تَهَجَّدَ فَأَرْبِئِهِ كَمَا أَرْبِئَانِي».

یعنی در این هنگام که انسان در موقف حساب مانده است و گناهانش، «قرآن» با نیکوترین صورت پیش میآید و میگوید:

پروردگارا! من قرآن هستم و این بنده مؤمن تو در دنیا خودش را برای تلاوت من بترجمت میانداخت و شبها با تاتی و تفکر مرا میخواند و در هنگام شب زنده داری یا خواندن من اشک از چشمانش فرو میریخت پروردگارا او چون در دنیا مرا از خود خشنود ساخت اکنون تو هم امروز او را

بقیه از حساب روز قیامت

خشنود بگردان.

در این هنگام خداوند عزیز جبار آن مؤمن را مشمول لطف خاص خویش میگرداند و رضوان و رحمت خود را شامل او میسازد.^۱

در پایان، تذکر دو مطلب نیز لازم بنظر میرسد:

۱- بطوریکه از بعضی از احادیث استفاده میشود در رسیدگی به حساب، رسیدگی به «نماز» در درجه اول قرار دارد که حضرت باقر(ع) میفرماید: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ بِهِ الصَّلَاةَ فَإِنْ قِيلَ قَبْلَ مَا يَبْوَأُهَا»^۲.

یعنی: نخستین چیزی که مورد محاسبه قرار میگیرد نماز است و اگر آن قبول درگاه خداوند گردید اعمال دیگر نیز مورد قبول قرار خواهد گرفت.

۲- لازم است هر انسانی پیش از آنکه

با آنجهان منسقل شود و در موقف حساب روز قیامت حضور بیاید، به حساب خود برسد دفتر زندگی خود را بگشاید و در باره معارف اعتقادی خود و همچنین اعمالی را که روزانه انجام میدهد اعم از اینکه مربوط به حق خداوند یا حق مردم باشد تحت مطالعه قرار بدهد و روحیات و اخلاق خویش را نیز مورد توجه قرار بدهد تا اگر کمبود و تقصیری در آنها وجود دارد جبران کند و به عواقب گناهان خود نیز توجه نماید تا از آنها توبه کند که:

حضرت امیرمؤمنان(ع) فرمودند: «عِبَادَ اللَّهِ زَلُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُؤْتُوا وَحَابِسُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا»^۳.

یعنی: بندگان خدا خودتان را بستید پیش از آنکه شما را بسنجند و خود را محاسبه کنید

پیش از آنکه شما را مورد محاسبه قرار بدهند.

حضرت کاظم(ع) فرمودند: «لَيْسَ مِثْلَ مَنْ لَمْ يُعَابِتْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ نَوْمٍ فَإِنَّ عَيْلَ خَسَا إِشْرَادًا اللَّهُ وَإِنَّ عَيْلَ سَيِّئًا إِشْفَرًا اللَّهُ»^۴.

یعنی: از ما (منظور پیروان کامل است) نیست کسیکه روزی یکمرتبه بحساب خود نرسد که اگر کار نیکی انجام داده است از خداوند توفیق اضافه کردن و افزودن بر آنرا بخواهد و اگر مرتکب کار زشت گردیده است توبه کند.

ادامه دارد

۱- نهج البلاغه - خطبة ۱۲.

۲- سوره الشفاعة - آیه ۸.

۳- سفينة البحار ج ۱ ص ۵۹۵.

۴- اصول کافی ج ۲ ص ۶۰۲.

۵- سفينة البحار ج ۱ ص ۲۱۹.

۶- نهج البلاغه - خطبة ۲۰.

۷- وسائل الشیعة - ج ۱۱ ص ۳۷۷.

بقیه از وصیتنامه امام...

توصیف و تکمیل نمی گردد، زیرا لازم می آید که جهت واحد فاعل و قابل باشد و ایضاً اگر این صفات، واجب باشند، تعدد واجب الوجود، لازم می آید و اگر ممکن باشند، مستلزم جهت امکان در ذات حضرت واجب الوجود می گردند.

برهان دوم، آنکه در صورت ثبوتی بودن این صفات، یا معانی آنها مشترک بین خالق و مخلوق است یا نیست، در صورت اشتراک معنوی، بین خالق و مخلوق، ذاتی مشترک لازم می آید، و لازمه این لازم، ترکیب در ذات واجب است، که در مقام اول گذشت، و در صورت عدم اشتراک معنوی و انتفاء ذاتی مشترک، بناچار صفت مفروض، بیرون از ذات و معلول آن می باشد و این توالی فاسده از آن جهت لازم می آید که صفات را وجودی و ثبوتی اخذ کنیم و گرنه با رجوع آنها به امر سلبی، یعنی سلب نقائض و مقابلات آنها از ذات حق تعالی، توالی فاسده ای پدید نمی آید.

«این بیانات تا اینجا که ذکر نمودیم، چمکنگی براهین عقلیه بر این مدعا بوده است و اما دلیل نقلی بر آن متضاهر است»^۱.

(ج ۳ از شرح توحید صدوق مخلوط).

ادامه دارد

صفت بین خالق و مخلوق، لازم می آید که ذات واجب تعالی مرتکب باشد از ما به الاشتراک و ما به الامتیاز، زیرا در کتاب برهان ثابت گردیده که «کل ما بالعرض لابد وان یشتی الی ما بالذات» و چون صفات خارج از ذاتند پس محمولات عرضیه می باشند و بحکم قاعده: «کل ما بالعرض...» هر محمول عرضی مشترک، لازم است که به ما بالذات، مستند شود و نهایتاً اشتراک ذاتی لازم می آید و چون اشتراک معنوی، مستلزم چنین تالی فاسد است پس ناگزیر از پذیرفتن اشتراک لفظی می باشیم، و گرنه لازم می آید که ذات واجب تعالی مرتکب باشد، «تعالی عن ذلك علواً کبیراً».

مقام دوم که در ارجاع صفات ذاتیه به سلب نقائض و مقابلات آنها از ذات واجب تعالی است دو برهان برای این هدف نهائی ذکر می کنیم:

برهان اول آنکه، همانگونه که در مقام اول گذشت، صفت به آن چیزی گفته می شود که ذات با آن، حال دیگری دارد، بناچار غیر ذات میده تعالی است، و هر چیز موجودی که غیر میده تعالی است یقیناً معلول و مخلوق آن ذات است، پس همه این محمولات، مخلوقات حضرت باری تعالی می باشند، بدیهی است که خداوند سبحان، بوسیله آفریدگانش

بهترین مردم

«پیامر اکرم» ص:»

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحْبَبَهَا بِقَلْبِهِ وَبَأْسَرَهَا بِجَسَدِهِ».

(کافی ج ۲ ص ۸۳)

از همه مردم برتر و بهتر کسی که با عبادت خدا عشق ورزی کند، معانقه نماید، بندگی پروردگار را در دل دوست بدارد و با بدن انجام دهد.